



دوره ۴۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸
صفحات ۱۱۱ تا ۱۳۲

جبران خسارت تخریب میراث فرهنگی در دیوان کیفری بین‌المللی با نگاهی به پرونده المهدی

سیدمهدی سیدزاده ثانی*

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

زهرا فرهادی آلاشتی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۳۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۶/۲۵)

چکیده

دیوان کیفری بین‌المللی، در راستای گسترش تدریجی حقوق کیفری معاهداتی بین‌المللی، برای نخستین بار در تاریخ رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی، در پرونده الفقی المهدی چندین گام از محاکم پیشین فراتر نهاده و جبران خسارات ناشی از تخریب میراث فرهنگی را در دستور کار خود قرار داده است. در این مقاله با نگاهی نقادانه، جبران خسارت جرم تخریب میراث فرهنگی با توجه به رویه دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده المهدی بحث می‌شود. دیوان در این رأی تاریخ‌ساز، صرف نظر از ایراد مستقیم یا غیر مستقیم خسارات، ساکنان شهر تیمبوکتو در وهله نخست و مردم کشور مالی و جامعه بین‌المللی را در وهله دوم به‌عنوان بزه‌دیدگان جرم تخریب میراث فرهنگی شهر تیمبوکتو شناسایی کرده و با در نظر گرفتن مسئولیت کیفری مضیق برای متهم، وی را موظف به جبران خسارات اقتصادی، روحی و ترمیم بناهای مورد حمایت کرده است. به علت اهمیت نمادین و نقش رویه‌ساز رأی مذکور در آینده رسیدگی‌های حقوق کیفری بین‌المللی، در این مقاله در قالب چهار قسمت و با نگاهی انتقادی و تطبیقی به بررسی دستاوردهای دیوان در این پرونده خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی

جبران خسارت، حقوق جنگ، میراث فرهنگی، دیوان کیفری بین‌المللی، المهدی.

* seidzadeh@um.ac.ir

مقدمه

افزایش چشمگیر تخریب میراث فرهنگی در جریان مخاصمات مسلحانه در دهه‌های گذشته و نهراسیدن بسیاری از طرفین درگیری از نقض تعهدات حقوق بشردوستانه بین‌المللی عرفی و معاهداتی، واکنش نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای را برانگیخته و پیشگیری از آسیب‌رسانی و مقابله با مسببان این فجایع را به خواستی عمومی تبدیل کرده است. به عنوان نمونه، تخریب مسجد شیخ عبدالهادی در تعز، ایراد صدمات به مسجد تاریخی حضرت شعیب، بمباران شهر تاریخی صنعا، تخریب بنای تاریخی آل‌العینی، ایراد آسیب‌ها و خسارات جدی به اماکن تاریخی و فرهنگی شهر صعده از جمله حمام‌های تاریخی، خانه‌های خشتی و مساجد، موضع‌گیری‌های فراوان یونسکو برای صیانت از این میراث را در پی داشت (The antiquities coalition, 2015). سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۱۵ با صدور قطعنامه ۲۱۹۹، تجارت میراث فرهنگی سوریه را ممنوع اعلام کرد (Security Council, 2015). همچنین، شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه ۲۳۴۷ در سال ۲۰۱۷، تخریب میراث فرهنگی، مکان‌های مذهبی و آثار باستانی را محکوم و هجوم عمدی به میراث فرهنگی را جرم جنگی برشمرد (Security Council, 2015).

با افزایش آگاهی‌ها و حساسیت افکار عمومی برای صیانت از میراث فرهنگی، دیوان کیفری بین‌المللی نیز با جرم‌انگاری تخریب این میراث در بستر مخاصمات داخلی و بین‌المللی در قالب ماده ۸ اساسنامه، سعی در صیانت از آن‌ها و جلوگیری از بی‌کیفرمانی مسببان این جرائم داشته است. در همین راستا، تابوی عدم جبران خسارت تخریب میراث فرهنگی در محاکم کیفری، برای نخستین بار توسط دیوان شکسته شد و سرانجام در سال ۲۰۱۶ در جریان رسیدگی به جنگ داخلی کشور مالی به منصفه ظهور رسید.^۱ با ارجاع وضعیت توسط دولت مالی به دیوان، فرآیند تحقیق و رسیدگی آغاز شد. المهدی در مراحل اولیه تحقیق و همچنین در جریان رسیدگی شعبه بدوی بر گناهکاری خویش اعتراف کرد و در نتیجه برای نخستین بار ماده ۶۵ اساسنامه^۲ در رویه رسیدگی دیوان اعمال شد (مسعودی کوشک، ۱۳۹۶: ۲۲۳). قضات دیوان کیفری بین‌المللی در بیست و هفتم سپتامبر سال ۲۰۱۶، بر اساس قسمت الف بند سه ماده بیست و پنج اساسنامه، المهدی را به ارتکاب جرائم جنگی علیه ده هدف تحت حمایت محکوم کردند و حکم به ۹ سال حبس و جبران خسارت صادر کردند. اگرچه پرونده المهدی نخستین پرونده جبران خسارت در تاریخ دیوان نیست، رأی صادره از اهمیت نمادین برخوردار است؛ چراکه اولاً، برای نخستین بار در تاریخ رسیدگی‌های دیوان کیفری بین‌المللی جرم جنگی تخریب میراث فرهنگی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و حکم به

۱. جنگ داخلی مالی، در تاریخ ۳۰ ژوئن سال ۲۰۱۲ آغاز شد و تا تاریخ ده جولای همان سال ادامه داشت. در سال ۲۰۱۲، گروه‌های نظامی مختلف نواحی شمالی، مالی را تحت کنترل گرفتند. در اوایل آوریل ۲۰۱۲ و در ضمن عقب‌نشینی نیروهای مالیایی، گروه‌های انصارالدین و القاعده در مغرب اسلامی، با تصرف شهر تیمبوکتو، عقاید مذهبی و سیاسی خود را بر شهروندان تحمیل کردند. احمد الفقی المهدی مشهور به ابوتراب، با پیوستن به گروه نظامی انصارالدین در آوریل ۲۰۱۲، رهبری حربه، نهاد دینی حکومت جدید، را قبول نمود. در جریان این جنگ، نه مقبره تاریخی و مسجد تاریخی سید یحیی تخریب یا آسیب جدی به آن‌ها وارد شد.

۲. اعتراف متهم به گناهکاری خویش.

جبران خسارت میراث فرهنگی داده می‌شود؛ ثانیاً، مجرم‌شناختن المهدی و صدور حکم به جبران خسارت این پیام را به سایر جنایتکاران جنگی منتقل می‌کند که در صورت ارتکاب جرم مذکور، بی‌کیفر نمی‌مانند و حاشیة امنی برای آن‌ها وجود نخواهد داشت.

این نوشتار در قالب چهار قسمت به بررسی نظام حقوقی جبران خسارت در دیوان کیفری بین‌المللی با تمرکز بر رأی تاریخ‌ساز المهدی می‌پردازد. در قسمت نخست، با چهارچوب‌های مهم بین‌المللی صیانت از میراث فرهنگی در زمان صلح و جنگ آشنا می‌شویم. در قسمت دوم، رویه جبران خسارت میراث فرهنگی در محاکم کیفری پیشین و دیوان کیفری بین‌المللی را نقد و بررسی خواهیم کرد. در قسمت سوم نیز پس از بررسی محدوده تعریف بزه‌دیده در اساسنامه دیوان، به تبیین بزه‌دیدگان جرم تخریب میراث فرهنگی در پرونده المهدی خواهیم پرداخت و در نهایت، انواع خسارات وارده و روش‌های جبران آن را بررسی می‌کنیم.

۱. حمایت از میراث فرهنگی در اسناد بین‌المللی

از دیرباز تاکنون همواره جدالی سخت برای تعریف میراث فرهنگی و همچنین انتخاب و کاربرد عنوان اموال فرهنگی و میراث فرهنگی میان اسناد و معاهدات بین‌المللی از یکسو و حقوقدانان از دیگر سو وجود داشته است (فروغی و غنی، ۱۳۹۴: ۳۳۶). با این حال، دامنه حمایت از میراث فرهنگی در دهه‌های اخیر، رو به گسترش است و به موازات فعالیت‌های کنشگران غیررسمی بین‌المللی، کنشگران رسمی نیز درصدد تدوین مقررات چندجانبه برآمده‌اند. از جمله مقررات مهم در این زمینه می‌توان به بندهای سه‌گانه ماده یک کنوانسیون اموال فرهنگی اشاره کرد. به موجب این ماده: «اموال زیر صرف نظر از منشأ و مالک آن‌ها اموال فرهنگی محسوب می‌گردند: الف) اموال منقول و غیرمنقولی که دارای اهمیت بسیار فراوان برای میراث فرهنگی هر ملت می‌باشند از قبیل آثار معماری هنری یا تاریخی مذهبی یا غیرمذهبی مناظر باستانی، مجموعه ساختمان‌هایی که از این حیث دارای ارزش تاریخی یا هنری می‌باشند. آثار هنری و نسخ خطی و کتب و سایر اشیاء که دارای ارزش هنری تاریخی یا باستان‌شناسی باشد و همچنین مجموعه‌های مهم کتب و اسناد و نمونه‌های تقلیدی اموال مذکور در فوق؛ ب) بناهایی که منظور اصلی و واقعی از آن‌ها حفاظت و نمایش اموال فرهنگی منقول (مذکور در بند الف) است، مانند موزه‌های کتابخانه‌های بزرگ، بایگانی‌ها و همچنین پناهگاه‌هایی که در صورت وقوع جنگ اموال فرهنگ اموال فرهنگی منقول مذکور در بند الف) در آن‌ها نگهداری می‌شود؛ ج) مراکزی که در آنجا تعداد قابل توجهی اموال فرهنگی مشروحه در بند الف) و ب) وجود دارد و مراکز آثار تاریخی نامیده می‌شود.»

کنوانسیون مذکور از جهاتی چند حائز اهمیت است: نخست آنکه، حمایت‌های خاص از میراث فرهنگی را از حمایت‌های عام تفکیک کرده است (بندهای ۹۱۸ تا ۹۰۵)؛ دوم اینکه، با الزامی ساختن استفاده از علائم ممیزه برای اموال فرهنگی تحت حمایت (بندهای ۹۳۶ تا ۹۲۹)، هرگونه بهانه‌ای مبنی بر ناآگاهی از ماهیت این اموال را سلب می‌نماید و نهایتاً اینکه کارمندان مسئول حمایت از این اموال را به تفکیک وظیفه مشخص کرده است (بندهای ۹۲۸ تا ۹۲۶؛ فک، ۱۳۹۱: ۵۰۱). ماده

اول کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان مصوب هفدهمین اجلاس عمومی کنفرانس سازمان یونسکو در سال ۱۹۷۲ نیز به تعریف میراث فرهنگی پرداخته و با دسته‌بندی آن‌ها به سه قسم آثار و مجموعه‌ها و محوطه‌ها، برای هر یک مصادیقی را برشمرده است. در کنار موارد برشمرده‌شده، نخستین جلوه‌های صیانت از میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه را می‌توان در ماده ۳۵ قانون لایبر مصوب ۱۸۶۳ مشاهده کرد. این ماده آثار هنری کلاسیک، کتابخانه‌ها، مجموعه‌های علمی و بیمارستان‌ها را در برابر تمام صدمات اجتناب‌پذیر حمایت کرد. مواد ۷ و ۱۸/اعلامیه ۱۸۷۴ بروکسل نیز پیرو مقررات کد لایبر^۱، صیانت از آثار فرهنگی را در دستور کار خود قرار داد.^۲ لیکن، هیچ‌کدام از این اسناد، به اموال فرهنگی اشاره نکرده و صیانت از اموال فرهنگی در ذیل اموال برشمرده‌شده در آن‌ها جای می‌گرفت. پس از کد لایبر و اعلامیه بروکسل، صیانت از میراث فرهنگی به صورت خاص در مرکز توجه قرار گرفت. عمده مقررات مهم و رویه‌ساز در مورد صیانت از میراث فرهنگی در زمان مخاصمات را می‌توان در کنوانسیون‌های لاهه مشاهده نمود. اغلب مقررات کنوانسیون‌های صلح ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه در زمره حقوق بین‌الملل عرفی قرار دارند و برای همه اعضای جامعه بین‌المللی لازم‌الاتباع هستند.^۳ ماده ۲۷ کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه، بر لزوم صیانت از اموال فرهنگی و تاریخی به شرط استفاده‌نکردن با هدف نظامی از آن‌ها در زمان مخاصمات اشاره کرده و مواد ۴۶، ۴۷ و ۵۶ همین کنوانسیون هرگونه توقیف، نابودی یا ایراد خسارت عمدی به بناهای تاریخی را ممنوع اعلام کرده است.^۴ همچنین، مقررات مربوط به صیانت از اموال فرهنگی را می‌توان به‌طور اختصاصی در معاهده ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه و دو پروتکل الحاقی مصوب ۱۹۵۴ و ۱۹۹۹ مشاهده کرد. کنوانسیون مذکور، حفاظت از آثار و میراث فرهنگی را در بستر مخاصمات مسلحانه به رسمیت شناخته است.^۵ بر اساس بند سوم ماده چهار این کنوانسیون، دشمن باید از هر گونه اعمال خصمانه، سرقت، غارت یا ارتکاب اعمال خرابکارانه علیه میراث فرهنگی خودداری کند.

با تصویب معاهده حمایت از بناهای علمی، هنری و آثار تاریخی (معاهده زوریخ) در پنجم آوریل ۱۹۳۵، پیشرفت‌های چشمگیری در حقوق حمایت از اموال فرهنگی شکل گرفت. به موجب این معاهده ثبت اموال مورد حمایت و الصاق نشان اموال فرهنگی برای صیانت از آن‌ها، چه در زمان

۱. مقررات کد لایبر و اعلامیه بروکسل، بعدها بر مقررات کنفرانس صلح لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ تأثیر به‌سزایی داشتند.

۲. به موجب این مواد، هرگونه حمله به مؤسسات مذهبی، آموزشی، هنری و علمی و غارت اموال آن‌ها ممنوع است.

۳. لازم به ذکر است که پروتکل‌های اول و دوم کنوانسیون‌های لاهه در زمره حقوق بین‌الملل قراردادی قرار دارند و تنها برای طرفین متعاقد لازم‌الاتباع هستند.

۴. بر اساس این ماده: «اموال شهرداری‌ها، اموال سازمان‌هایی که به مذهب، خیریه و آموزش، هنر و علوم، اختصاص یافته‌اند، حتی در برخی موارد اموال دولتی، باید به عنوان اموال خصوصی در نظر گرفته شوند. کلیه توقیف، نابودی یا خسارت عمدی که به مؤسساتی با این ویژگی، بناهای تاریخی، آثار هنری و علمی صورت گرفته ممنوع می‌باشد و باید موضوع رسیدگی قضایی قرار گیرد.»

۵. البته به موجب قسمت دوم ماده یازده این کنوانسیون، در صورت حصول ضرورت نظامی می‌توان به اماکن تاریخی حمله کرد و مصونیت از این اماکن برداشته می‌شود.

صلح و چه در زمان جنگ، الزامی است. کنوانسیون چهارم ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی اول مصوب ۱۹۷۷ نیز در زمره مهم‌ترین معاهدات حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات می‌باشند. بند الف ماده ۵۳ پروتکل الحاقی دوم، به صیانت از اموال فرهنگی اختصاص دارد. این بند، هرگونه حمله به بناهای تاریخی، آثار هنری یا عبادتگاه‌هایی را که در زمره میراث فرهنگی یا معنوی هستند، ممنوع ساخته است. همچنین بنابر کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوعیت و جلوگیری از ورود و صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی یونسکو مصوب ۱۹۷۰ و کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان مصوب ۱۹۷۲ هرگونه حمله به میراث فرهنگی، حمله به هویت مشترک همه افراد بشر تلقی شده و ممنوع است.

۲. جبران خسارت میراث فرهنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

یکی از بایسته‌های مقابله با مرتکبین شدیدترین جرائم بین‌المللی و مبارزه با بی‌کیفرمانی آنان، الزام آنان به رفع آثار ناشی از جنایات یا تلاش برای اعاده وضع به حالت سابق است. پیش‌بینی نهاد حقوقی جبران خسارت در اساسنامه دیوان در راستای دستیابی به این هدف بوده است. در قسمت پیش‌رو، پس از بررسی جایگاه جبران خسارت در اساسنامه دیوان، به بررسی سازوکارهای موجود در اساسنامه برای اعمال این حق و رویه دیوان در پرونده المهدی خواهیم پرداخت.

۲-۱. از سرکوب تا جبران خسارت

ارتقاء جایگاه بزه‌دیده در حقوق بین‌الملل کیفری از یکسو نتیجه تحولات حاصل از مطالعات بزه-دیده‌شناختی در حقوق داخلی کشورها و از دیگرسو، پاسخی به انتقادات صحیح وارد بر نقش انفعالی بزه‌دیدگان می‌باشد. حق جبران خسارت به عنوان یکی از حقوق بنیادین بزه‌دیدگان، در اسناد و معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای بسیاری به رسمیت شناخته شده است. از مهم‌ترین این اسناد می‌توان به ماده هشت اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه و اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد اصول بنیادین عدالت برای قربانیان جرائم سوء استفاده از قدرت اشاره کرد.

قسمت (ب) ماده شش منشور نورنبرگ تخریب اموال فرهنگی در حین مخاصمات مسلحانه را به‌عنوان جرم جنگی برشمرده بود.^۱ محکمه نورنبرگ نیز بر اساس همین دستور مندرج در منشور، نازی‌ها را به جرم جنگی تخریب میراث فرهنگی طرف مقابل محکوم کرد. قضات محکمه نورنبرگ بر این عقیده بودند که «تخریب موزه‌ها، کتابخانه‌ها، کلکسیون‌ها و آرشیوهای طرف‌های مقابل قسمتی از برنامه ازپیش‌طراحی‌شده نیروهای آلمانی برای اثبات برتری نژادی خود بر رقبایش از طریق کاستن آثار و میراث فرهنگی مخالفانش بود» (Liu, 2016: 31). با وجود جرم‌انگاری تخریب

۱. به‌موجب این منشور، هرگونه «تخریب اموال عمومی یا خصوصی، تخریب عمدی شهرها، شهرک‌ها یا روستاها یا تخریبی که ضرورت نظامی اعمال آن را توجیه نکند» جرم جنگی می‌باشد.

میراث فرهنگی، منشور این دو دادگاه در مورد جبران خسارت بزه‌دیدگان این جرائم سکوت اختیار کرده بود و قضات صرفاً به جنبه کیفری پرونده‌ها رسیدگی می‌کردند. از همین‌رو، بزه‌دیدگان جرائم نازی‌ها، امکان اقامه دعوی جبران خسارت را نداشته و از طرق دیگر، از جمله موافقت‌نامه‌های مبتنی بر مسئولیت دولت‌ها و نه مسئولیت شخصی مرتکبان، اقدام به دادخواهی می‌کردند.

حق جبران خسارت و سازوکارهای آن در اسناد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا نیز به صراحت اشاره نشد. در طول مذاکرات برای تهیه پیش‌نویس سند آئین دادرسی و ادله این دادگاه‌ها، نظرات متفاوتی در مورد پیش‌بینی قواعد جبران خسارت بزه‌دیدگان وجود داشت. به عنوان نمونه، عده‌ای بر این عقیده بودند که دادگاه یوگسلاوی بر اساس قطعنامه شماره ۸۲۷ مورخ ۲۵ مه ۱۹۹۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، برای تعقیب مسئولان نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه و نه جبران خسارات بزه‌دیدگان تأسیس شده است. هرگونه جبران خسارت، دادگاه را از هدف اصلی خود منحرف ساخته و به مرجعی برای جبران خسارت بزه‌دیدگان تبدیل می‌کند. در مقابل، عده‌ای دیگر خواهان صیانت از حقوق بزه‌دیدگان و پیش‌بینی مقررات جبران خسارت برای کاستن از خسارات وارده به آن‌ها بودند؛ چراکه صرف کیفررسانی مرتکبان، منجر به جبران آسیب‌های مادی و معنوی وارده بر بزه‌دیدگان نخواهد شد. در نهایت، «به علت عدم پیش‌بینی مقررات مربوط به جبران خسارت در اساسنامه این دادگاه‌ها، مذاکره‌کنندگان تصمیم بر عدم درج مقرراتی در این باره در سند آئین دادرسی و ادله گرفتند» (Cassese, 2003: 429).

اسناد این محاکم، مقررات منسجم و مستقلی برای جبران خسارات بزه‌دیدگان پیش‌بینی نکرده‌اند و صرفاً با ارائه تفاسیری از مواد و قواعد مختلف، می‌توان بر وجود این حق تأکید کرد. بر اساس اسناد این دادگاه‌ها، قاضی مکلف است در مرحله صدور حکم، در مورد جبران خسارت بزه‌دیده تصمیم بگیرد و میزان صدمات و خسارات حاصل از ارتکاب جرم در تعیین میزان مجازات نیز مؤثر است. قاعده ۱۰۱ آئین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی سابق بر اساس ماده ۲۴ اساسنامه دادگاه، شرایط و وضعیت‌های مشدده یا مخففه مجازات را در تعیین میزان حبس دخیل دانسته است. بنابراین، عواملی همچون کمیت و کیفیت خسارات و آسیب‌های وارده بر بزه‌دیده و همچنین تلاش‌های بزهکار برای جبران خسارات و آسیب‌ها می‌توانند در تشدید یا تخفیف کیفر نقش داشته باشند.

ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی نیز به بزهکاران مستحق عفو یا تخفیف مجازات اختصاص دارد و قاعده ۱۲۵، معیارهای اعطای این دو نهاد را بر می‌شمرد. اشاره به «شدت جرم یا جرائمی که محکوم‌علیه بابت آن‌ها در حبس به سر می‌برد» و «رفتار مناسب زندانی» در این قاعده را می‌توان در جهت جبران خسارت تفسیر کرد. «شدت جرم بر اساس تعداد بزه‌دیدگان و میزان خسارت وارده بر آنان تفسیر می‌شود. رفتار مناسب زندانی می‌تواند تلاشی در جهت ترمیم آثار سوء ناشی از جرم باشد» (اسدی، ۱۳۸۸: ۶۹). از طرفی دیگر، بر اساس قواعد ۱۰۵ و ۱۰۶ آئین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی سابق، بزه‌دیدگان حق درخواست جبران خسارت مادی را دارند و دادگاه مکلف به رسیدگی و صدور حکم می‌باشد. بر اساس قاعده ۱۰۵ سند آئین دادرسی و ادله دادگاه

یوگسلاوی سابق که عیناً در سند آئین دادرسی و ادله رواندا نیز ذکر شده است، بزه‌دیده نمی‌تواند رأساً درخواست غرامت بدهد بلکه باید آن را به دادستان و یا شعبه دادگاه تسلیم کند و مقامات مذکور تقاضای جبران خسارت کنند. نتیجه عدم مشارکت در این رویه این است که در مقام عمل، «متأسفانه دادگاه حتی تمایلی به جبران خسارت بزه‌دیدگانی که خسارت وارد به ایشان کاملاً اثبات شده است و بزه‌کاران اموال آن‌ها را بدون هیچگونه مجوز قانونی گرفته‌اند، ندارد» (Evans, 2012: 91).

مطابق بند (ب) قاعده ۱۰۶ سند آئین دادرسی و ادله دادگاه، بزه‌دیده جرم و مدعی می‌توانند فارغ از رسیدگی به دعوی کیفری در دادگاه یوگسلاوی، دعوی جداگانه‌ای را در دادگاه‌های داخلی یا سایر مراجع اقامه کنند و درصدد جبران خسارات وارده برآیند. لیکن، بند (ج) همین قاعده، اقامه دعوی جبران خسارت در محاکم ملی را منوط به صدور حکم قطعی دادگاه یوگسلاوی و احراز مسئولیت کیفری متهم کرده است. یکی از انتقادات مهم وارده به بند (ب) این است که «دادگاه یوگسلاوی سابق با هدف تعقیب و محاکمه افراد مسئول نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی تأسیس شده است؛ در حالیکه اعطای صلاحیت جبران خسارات برای جرائم ارتكابی این افراد به سایر مراجع (تأکید از ما است) مثلاً دادگاه‌های مدنی، با صلاحیت این دادگاه‌ها تضاد دارد؛ چراکه دادگاه‌های کیفری باید صلاحیت چنین کاری را داشته باشند» (Boas, 2003: 99).

در طول جنگ‌های دهه ۱۹۹۰ در یوگسلاوی سابق، صدها مکان تاریخی و مذهبی با هدف ازبین‌بردن فرهنگ گروه‌های هدف به‌طور نظام‌مند مورد تخریب و نابودی قرار گرفتند. دادگاه یوگسلاوی سابق، از زمان آغاز به رسیدگی به نخستین پرونده‌ها، صراحتاً اعلام کرد که تخریب و نابودی این اماکن بر اساس عرف بین‌المللی بشردوستانه جرم است و جرائم نظام‌مند مذکور، جرائم علیه بشریت نیز می‌باشند. قضات دادگاه در پرونده کورادیک و کرکنز^۱ اعلام کردند که تخریب این اماکن در واقع «تخریب فرهنگ مذهبی خاص است و در واقع به همهٔ ابنای بشر آسیب وارد ساخته است» (ICTY, 2001: para207). در سال ۲۰۰۱ و در جریان رسیدگی به جرائم ارتكابی در زمان محاصره شهر ساحلی دوبروونیک^۲ واقع در جنوب کرواسی، ایراد آسیب عمدی به بناهای ثبت‌شده در میراث جهانی یونسکو در دادگاه مطرح شد و این نخستین باری بود که جرائم علیه اموال فرهنگی در محکمه‌ای بین‌المللی در چنین سطحی به‌جدیت بررسی می‌شد. با وجود اهمیت فراوان این پرونده به‌لحاظ مسئول شناخته‌شدن فرماندهان و آمران این حملات و ایجاد رویهٔ بین‌المللی در این زمینه، به علت فقدان سازوکار جبران خسارت در اسناد دادگاه، قضات حکم جبران خسارت و ترمیم ابنیه و اماکن تاریخی و مذهبی را صادر نکردند. در واقع، دادگاه خود را متعهد به رسیدگی و احراز مسئولیت کیفری برای متهمان می‌دانست و وظیفه‌ای بیشتر از آن برای خود قائل نبود. کاستی‌های فقدان سازوکارهای مؤثر جبران خسارت در اسناد این دادگاه‌ها، شکایات فراوان بزه‌دیدگان و سازمان‌های حامی میراث فرهنگی را در پی داشت. از همین رو در سال ۲۰۰۰ دادستان دادگاه‌های

1. Kordić & Čerkez
2. Dubrovnik

یوگسلاوی سابق و رواندا ضمن درخواست کمک از شورای امنیت، موضع مثبتش برای جبران خسارات را اینگونه اعلام کرد: «واقعاً جای تأسف دارد که اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا مقررات اندکی برای جبران خسارت و اعاده وضع به حالت سابق برای کسانی که زندگی‌شان در جریان این نبردها نابود شده است، پیش‌بینی کرده‌اند... واحد من موفقیت بسیاری در تعقیب و تحصیل مقادیر زیادی پول از متهمان داشته است. پول‌هایی که کاملاً می‌توانستند از طرف دادگاه برای جبران خسارت بزه‌دیدگان به کار روند... چه کسی شایسته بهره‌مندی و استفاده از این پول‌ها است؟... مایل هستم که با کمال احترام به شورای امنیت اعلام کنم که نظام موجود در محاکم دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا قادر به اجرای عدالت نسبت به بزه‌دیدگان نیستند و مایل هستم از شما برای بذل توجه فوری و جدی برای ایجاد هر نوع تغییری که قادر به حذف این خلأ باشد، دعوت کنم (JL/P.I.S./542-e, 2000).

در سال ۲۰۰۰ و در جریان دو نشست اختصاصی که با حضور همه اعضای دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا تشکیل شده بود، «سرانجام اعضا توافق کردند که این امر نیاز به اصلاح اساسنامه دارد، همچنین اذعان داشتند که چه بسا واگذاری اختلاف مربوط به غرامت‌ها به مرجع دیگر بهتر باشد» (والین، ۱۳۸۵: ۴۴). علی‌رغم اجماع مذکور، اصلاحی انجام نشد و همچنان تا پایان عمر دادگاه در سال ۲۰۱۷، مراجع داخلی صلاحیت رسیدگی به درخواست‌های جبران خسارت را داشتند و دادگاه از ورود به این موضوع خودداری می‌کرد.

محاکم موردی کیفری مختلط نیز دستاورد قابل ملاحظه‌ای برای جبران خسارات قربانیان نداشتند. به عنوان نمونه، اگرچه یکی از اهداف تشکیل دادگاه ویژه سیرالئون، احقاق حقوق بزه‌دیدگان بود، دادگاه در نیل به هدف مذکور کاملاً موفق نبوده است. مقررات آئین دادرسی و ادله دادگاه نیز بر اساس ماده ۱۴ اساسنامه، همان مقررات آئین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا می‌باشد. البته، اگرچه اعمال برخی تغییرات مورد نیاز در سند مذکور مجاز دانسته شده است، در طی یازده مرحله تغییرات صورت گرفته از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸، هیچ مقرره‌ای برای جبران خسارات بزه‌دیدگان وضع نشد. بزه‌دیدگان در دادگاه ویژه لبنان نیز نقش بسیار منفعلی داشته و علی‌رغم پیش‌بینی واحد مشارکت بزه‌دیدگان، جایگاه آنان در حد ارائه شهادت و درخواست شفاهی یا کتبی رسیدگی تنزل داده شد. این دادگاه نیز همچون محاکم کیفری سابق حق جبران خسارت بزه‌دیدگان را به رسمیت نشناخته است. بر اساس ماده ۲۵ اساسنامه، بعد از اتمام رسیدگی و احراز مسئولیت کیفری مرتکب، دادگاه صرفاً می‌تواند تصویر تصدیق‌شده‌ای از حکم صادره را برای پیگیری جبران خسارت حاصل از جرم در محاکم ملی یا سایر مراجع صالح به بزه‌دیده تسلیم کند.

با مرور حق جبران خسارت در محاکم پیشین می‌توان دریافت که یکی از دلایل مهمی که دیوان کیفری بین‌المللی را از محاکم پیشین متمایز می‌سازد، پیش‌بینی حق مراجعه بزه‌دیدگان و خانواده‌های آن‌ها به دادگاه برای انتقال نگرانی‌ها (ماده ۶۸) و دیدگاه‌هایشان و درخواست جبران خسارات می‌باشد (ماده ۷۵). مقدمه اساسنامه به‌خوبی دغدغه مذاکره‌کنندگان در مورد حقوق

بزه‌دیدگان را به تصویر می‌کشد. «اندیشناک از اینکه طی این قرن میلیون‌ها کودک، زن و مرد بزه‌دیدهٔ فجایع و ددمنشی‌های غیرقابل‌تصور شده‌اند که وجدان بشریت را به شدت تکان داده است.» تهیه‌کنندگان سند پیش‌نویس اساسنامه دیوان سعی کرده‌اند تا نقاط ضعف محاکم پیشین را برطرف کنند و از همین‌رو، برای نخستین بار در حقوق بین‌الملل کیفری، اساسنامهٔ دیوان به موضوع جبران خسارت بزه‌دیدگان پرداخته است. البته، حق مذکور جنبه کیفری نداشته و نوعی غرامت در برابر آسیب‌های وارد بر بزه‌دیدگان محسوب می‌شود (Cryer & Others, 2010: 490). گو اینکه، اساسنامه با به رسمیت‌شناختن عدالت جبرانی، به عدم کفایت سزاگرایی در عرصهٔ بین‌الملل قائل است. در قسمت‌های آتی با سازوکار جبران خسارت در دیوان، نقاط قوت و ضعف آن و کاربری آن در پروندهٔ المهدی آشنا خواهیم شد.

۲-۲. اصول جبران خسارت دیوان در پروندهٔ المهدی

آسیب‌های وارده به اهداف غیرنظامی در جریان مخاصمات و آشوب‌ها، حقوق‌دانان و سایر هنجارسازان بین‌المللی و داخلی را بر آن داشت تا چهارچوب‌هایی هرچند نسبی برای جبران آسیب‌های مادی و معنوی وارده بر این اهداف تعیین کنند. با مطالعهٔ اسناد داخلی و بین‌المللی جبران خسارت، سه اصل مورد اتفاق بسیاری از نظام‌های حقوقی به چشم می‌خورد. بنابر اصل تناسب^۱، جبران خسارت باید با آسیب وارده تناسب داشته باشد که هر دو دسته آسیب‌های مادی و معنوی را شامل می‌شود. مطابق اصل شخصی بودن ضرر، خسارات وارده باید بر آن فرد وارد شده باشد و افراد حق درخواست خسارات وارده بر سایرین را ندارند. از طرفی دیگر، بنا بر اصل علیت^۲، آسیب وارده باید مستقیماً از فعل مجرمانه ناشی شده باشد و بین فعل مرتکب و خسارت وارده رابطه علیت وجود داشته باشد. همچنین لازم به ذکر است که اصل مرکزی جبران خسارت در سال ۱۹۲۸ توسط دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در پروندهٔ کارخانه کروزو شناسایی شد. دیوان در این پرونده اشعار می‌دارد که «تا آنجا که ممکن است جبران خسارات باید همهٔ آثار رفتار غیرقانونی را محو کند و وضعیت سابق بر آن را تا حد امکان و به همان شکل قبل از ارتکاب رفتار خسارت‌آمیز بازسازی کند» (PCIJ, 1928: 47).

اساسنامهٔ دیوان و سند قواعد دادرسی و ادله هیچگونه اصولی را برای جبران خسارت بزه‌دیدگان تعیین نکردند و این مهم بر اساس قسمت اول مادهٔ ۷۵ اساسنامه، به قضات دیوان سپرده شده است. بر اساس مادهٔ مذکور، قضات باید قبل از رسیدگی، اصول جبران خسارت را تعیین کنند. به موجب این ماده: «دیوان راجع به پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان یا در ارتباط با آنان، اصولی را مقرر خواهد کرد. بر این اساس دیوان در رأی خود می‌تواند خواه به درخواست ذی‌نفع و یا در شرایط خاصی رأساً، حدود و میزان هر نوع آسیب، نقص یا صدمه به بزه‌دیدگان یا در ارتباط آنان را معین کند و اصولی که بر اساس آن‌ها عمل می‌کند، بیان خواهد کرد.»

1. Principle of proportionality
2. Principle of causality

تعیین نکردن اصول جبران خسارت در اساسنامه، قضات را در تعیین اصول با توجه به شرایط حاکم بر پرونده یاری رسانده و با هدف جبران خسارت نیز سازگارتر است. این اصول می‌توانند صرفاً توصیفی از اصول جبران خسارت ارائه دهند یا اینکه آن‌ها را به صورت محدود بپذیرند. همچنین، می‌توانند فرایند جبران خسارت را در دادگاه‌های ملی^۱ یا نهادهای بین‌المللی معین کنند. اصول جبران خسارت در هر پرونده باید با اساسنامه، اسناد دیوان و اصول عام حقوق بین‌الملل همخوانی داشته باشد و «بر اساس مسئولیت کیفری فردی، و نه مسئولیت دولت‌ها تعیین شوند» (Mc Carthy, 2009: 256). علی‌رغم نکات مثبت برشمرده شده، فقدان اصول کلی جبران خسارت در اساسنامه دیوان، آثار زیانبار بسیاری را در پی خواهد داشت: نخست آنکه، امکان ارتباط کارآمد دیوان با بزه‌دیدگان و افراد خواهان جبران خسارت در هر پرونده محدود می‌شود؛ چراکه هرگونه جبران خسارت در وهله نخست منوط به صدور حکم محکومیت و سپس تعیین اصول جبران خسارت می‌باشد؛ دوم آنکه، زمان فراوانی برای تعیین اصول صرف می‌شود و ناامیدی بسیاری از بزه‌دیدگان از جبران خسارت را در پی خواهد داشت؛ سوم آنکه، تعیین اصول موردی جبران خسارت در هر پرونده، منجر به عدم دسترسی بزه‌دیدگان به مبنای قانونی واحد می‌شود و تا تعیین اصول مورد نظر دیوان، در ناآگاهی به سر خواهند برد که این امر مخالف اصل صراحت قوانین می‌باشد. به عنوان نمونه، گزارش‌های واصله از دیوان و صندوق امانی آن در فوریه سال ۲۰۱۷ در پرونده اونگون^۲ حاکی از آن است که بسیاری از بزه‌دیدگان این پرونده به علت کمبود اطلاعات از فرایند جبران خسارت ناامید هستند؛ سرانجام آنکه، عدم وجود مبنای واحد، ممکن است منجر به برخورد نابرابر و ناهمگون با بزه‌دیدگان شود.

اگرچه که تا اواسط سال ۲۰۱۱ هیچ پرونده جبران خسارتی در دیوان گشوده نشد، در نوامبر سال ۲۰۰۹، طی جلسه مجمع دولت‌های عضو، سیاست رسمی دیوان مبنی بر استفاده از اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت و همچنین اصول بنیادین سازمان ملل متحد برای جبران خسارت برای پرونده‌های احتمالی آتی جبران خسارت اعلام شد (ASP, 2009, para: 6). در ابتدا شروع رسیدگی دیوان به پرونده لوبانگو در وضعیت کنگو،^۳ شعبه تجدیدنظر اعلام کرد که اصول جبران خسارت منحصر به یک پرونده نیستند و «می‌توانند در پرونده‌های دیگر اعمال یا اقتباس شوند یا حتی اصول قبلی را گسترش دهند» (ICC, 2015: Para 5). دادرسان پرونده کاتانگا^۴ نیز از این نظر استقبال کرده و از اصول جبران خسارت مذکور در پرونده لوبانگو استفاده کردند.

دادرسان پرونده المهدی نیز بنا بر دستور مندرج در اعلامیه نشست سران مجمع دول عضو، از سیاست رسمی دیوان مبنی بر استفاده از دو اعلامیه اصول پیروی کردند. به عقیده آنان نظر به

۱. زمانی که بزه‌دیدگان برای دریافت خسارت باید به دادگاه‌های ملی مراجعه کنند.

2. Ongwen

۳. این پرونده، اولین پرونده جبران خسارت در دیوان بود.

4. Katanga

وجود اصول جبران خسارت میراث فرهنگی در چهارچوب‌های حقوقی دیگر، دلیلی بر استفاده‌نکردن از آن‌ها و تعیین اصول جداگانه وجود ندارد. بنابر نظر قضات پرونده، «هدف از جبران خسارت در این پرونده، الزام مرتکبین جرائم مهم و خطیر به جبران خسارات ضررهای ناشی از اعمالشان به بزه‌دیدگان است» (ICC, 2015: para2). در همین راستا، بنابر گستردگی آسیب‌ها و خسارات وارده، شمار بسیاری از اصول جبران خسارت موجود در پرونده لوبانگو را مورد پذیرش قرار دادند و به سیاق آن‌ها وفادار ماندند. آنان هیچگونه دسته‌بندی از اصول اتخاذی ارائه ندادند و به فراخور موضوع و در ذیل یک عنوان کلی، ضمن تشریح ماهیت خسارات و آسیب‌های وارده، به اصول اشاره کردند. نگارندگان بر آن هستند که دسته‌بندی اصول به علت شمار فراوان و تفاوت ماهیتی آن‌ها، ژرف‌اندیشی قضات این پرونده را آسان‌تر می‌سازد؛ از همین رو، با نگاهی متمایز، به تفکیک و دسته‌بندی اصول و تشریح آن‌ها پرداختیم و با توجه به جامعه هدف، آن‌ها را در سه دسته^۱ اصول مرتبط با بزه‌دیده،^۲ اصول مرتبط با دولت^۳ و اصول مرتبط با مرتکب^۴ گنجاندیم.

۲-۱. اصول مرتبط با بزه‌دیده

گستره وسیع آسیب‌های وارده بر بزه‌دیدگان، دیوان را بر آن داشت تا طیف وسیعی از اصول را برای صیانت از حقوق آن‌ها پیش‌بینی کند. قضات دیوان لزوم برخورد منصفانه و یکسان دیوان با بزه‌دیدگان، فارغ از شرکت آن‌ها در جلسات محاکمه را به‌عنوان اصل کلی حاکم بر جبران خسارت در پرونده المهدی برشمردند. یکی از لوازم برخورداری از اصل برخورد عادلانه و منصفانه، دسترسی یکسان بزه‌دیدگان به اطلاعات حاصل از فرایند جبران خسارت می‌باشد که قضات دیوان بر آن تأکید فراوانی داشتند (Ibid, Paras 12-13-31).

همچنین با هدف تضمین نقش فعال بزه‌دیدگان در فرآیند رسیدگی و صدور حکم، بر حضور مؤثر و مشارکت آنان در فرآیند جبران خسارت، فارغ از هرگونه تبعیضی بر مبنای نژاد، جنسیت، رنگ پوست، سن، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، ثروت، محل تولد یا سایر موارد تأکید شده است (Ibid, paras 30,31). بنابر نظر قضات پرونده، برخورد با بزه‌دیدگان باید بر مبنای نوع دوستی و احترام به شأن آن‌ها باشد. این اصل، در واقع بر مبنای بند ۳ ماده ۲۱ اساسنامه است که اعمال و تفسیر حقوق قابل اعمال در اساسنامه باید با حقوق بشر شناخته‌شده بین‌المللی مطابق باشد و بدون تبعیض بر تمام تابعان این حقوق بار شود. همچنین، با توجه به جنبه بین‌المللی رسیدگی‌ها، احتمال ورود آسیب به بزه‌دیدگان زیاد است. از همین رو، قضات پرونده در راستای قواعد ۸۷ و ۸۸ سند قواعد دادرسی و ادله، دیوان را ملزم به تأمین امنیت فیزیکی و روانی بزه‌دیدگان کردند.

1. Victim Related Principles
2. Government Related Principles
3. Perpetrator Related Principles

جبران خسارت کافی، مناسب و سریع نیز از دیگر اصول برشمرده شده در این پرونده می‌باشد (ICC, 2015: Para44). همچنین، جبران خسارت باید تا حد امکان بیانگر فرهنگ محلی بزه‌دیدگان و روش‌های معمول جبران خسارت باشد؛ مگر آنکه تبعیض‌آمیز و انحصاری باشد یا دسترسی برابر بزه‌دیدگان به حقوقشان را محدود کند. بنابر نظر کارشناس تحقیق پرونده، دیوان باید رویکرد جنسیت‌محور اتخاذ نماید؛ چراکه زنان و دختران در طول نبرد و تخریب میراث فرهنگی با خطرات مختص به خود مواجه هستند و چه بسا به واسطه جنسیتشان مورد آزار و اذیت قرار بگیرند (Ibid: Para34).

۲-۲-۲. اصول مرتبط با دولت

مداخلات دولت‌ها در مخاصمات را می‌توان به اعتباری به مشارکت فعال، مانند اقدام به مخاصمات، تجهیز گروه‌ها، تحریک و...، یا منفعل، مانند سکوت، عدم تعقیب و پیگیری تقسیم کرد. مسئول شناختن دولت‌ها علاوه بر عدم بی‌کیفرمانی آن‌ها، این پیام را به سایر دولت‌ها نیز منتقل می‌کند که در صورت مشارکت در ایراد خسارات، از مسئولیت مبرا نخواهند بود. یکی از اصول مهم جبران خسارات در این پرونده، عدم معافیت دولت از جبران خسارت بزه‌دیدگان در صورت ایراد آسیب می‌باشد. به عبارت دیگر، بر اساس بند چهارم ماده ۲۵ اساسنامه، دیوان مسئولیتی مستقل و جداگانه برای دولت برشمرده است (Ibid, para: 36). همچنین به موجب قسمت ششم ماده ۷۵ پرداخت خسارت به بزه‌دیدگان، نباید منافی با حقوق آنان بر اساس حقوق ملی یا بین‌المللی تفسیر شود.^۱

۲-۲-۳. اصول مرتبط با مرتکب

دیوان یک اصل را نیز به المهدی اختصاص داد. بر اساس قسمت سوم قاعده ۹۷ از سند قواعد دادرسی و ادله، دیوان باید حقوق بزه‌دیدگان و محکوم‌علیه را مدنظر قرار دهد. بر همین اساس، دستور جبران خسارت نباید جانبدارانه باشد یا با حقوق المهدی به عنوان محکوم منافات داشته باشد (Ibid, para: 37)(ICC, 2015, Para: 49).

۳. بزه‌دیده‌شناسی جرائم میراث فرهنگی؛ از بزه‌دیده سنتی تا جامعه جهانی

ارائه تعریفی واحد از بزه‌دیده در حقوق کیفری بین‌المللی امری آسان و حتی ممکن نمی‌باشد و با توجه به زمینه قانونی مورد استفاده، تعاریف متفاوتی از آن ارائه می‌شود. تعریف دقیق و گسترده بزه‌دیده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ چراکه «هر اندازه جایگاه بزه‌دیده وسیع‌تر شود، به همان میزان روش و نظام کیفری جنبه جبران خسارت به خود می‌گیرد، چنانچه این حالت کلی باشد، نظام کیفری فقط رسالت اولیه خود را که همان سزادهی، یعنی اولویت‌دادن به مجازات

۱. بنابر همین مقرر، در تاریخ ۲۸ سپتامبر سال ۲۰۱۶ دیوان، دولت دمکراتیک کنگو را ملزم به همکاری با صندوق امانی بزه‌دیدگان برای جبران خسارت بزه‌دیدگان کرد.

بزهکار است، حفظ خواهد کرد» (لازرز، ۱۳۸۲: ۷۶). دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، از تعریف واحدی برای شناسایی بزه‌دیده استفاده می‌کنند. بر اساس بند دوم قسمت الف قواعد دادرسی و ادله این دادگاه‌ها، هر شخص حقیقی که جرمی علیه او ارتکاب یافته و دادگاه صلاحیت رسیدگی به جرم ارتكابی را دارد، بزه‌دیده می‌باشد. ارائه تعریفی مضیق از بزه‌دیده، منجر به نادیده‌انگاشتن حق دادخواهی شمار زیادی از افراد آسیب‌دیده در این محاکم شده است. به عنوان نمونه، این ماده بزه‌دیدگی اشخاص حقوقی را به رسمیت نشناخته است. همچنین، صرفاً بزه‌دیدگان مستقیم را پذیرفته و حقی برای بزه‌دیدگان غیرمستقیم قائل نشده است.

یکی از وظایف مهم کمیته مقدماتی اساسنامه رم، ارائه تعریفی جامع از بزه‌دیده و رفع خلأهای موجود در اساسنامه‌های محاکم کیفری پیشین بوده است. کمیته از اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت به‌عنوان منبعی برای تعریف بزه‌دیده استفاده کرد. بر اساس بند یک اعلامیه «بزه‌دیدگان اشخاصی هستند که به صورت فردی یا جمعی به دلیل اعمال یا ارتکاب ناقض قوانین جزایی فعال در دولت‌ها از جمله قوانین ناهی سوءاستفاده جزایی از قدرت، متحمل صدمه از جمله صدمه جسمی و ذهنی، دشواری روحی، ضرر اقتصادی، محرومیت قابل توجه از آزادی‌های بنیادینشان شده باشند». بند دوم این ماده، بزه‌دیدگی غیرمستقیم را نیز به رسمیت شناخته و خانواده نزدیک یا افراد تحت تکفل مستقیم بزه‌دیده و اشخاص متحمل آزار در هنگام مداخله جهت کمک به بزه‌دیدگان در وضعیت پریشانی یا پیشگیری از بزه‌دیدگی را نیز بزه‌دیده تلقی کرده است. لیکن، اعلامیه از پذیرش اشخاص حقوقی و سازمان‌ها، بیمارستان‌ها، اماکن مذهبی و تاریخی به‌عنوان بزه‌دیده اجتناب کرد. اساسنامه دیوان نیز مانند دو دیوان کیفری پیشین، در مورد بزه‌دیده سکوت اختیار کرده و تعریف آن را در سند قواعد دادرسی و ادله آورده است. بر اساس قاعده ۸۵ این سند: «در رابطه با اساسنامه و قواعد دادرسی و ادله، الف) «بزه‌دیدگان» اشخاصی هستند که در نتیجه ارتکاب جنایات تحت صلاحیت دیوان، متحمل صدمه شده‌اند؛ ب) بزه‌دیدگان می‌توانند سازمان‌ها یا مؤسساتی باشند که متحمل صدمه مستقیم به هر یک از اموال خود که اختصاص به اهداف مذهبی، تحصیلی، هنری و علمی یا خیریه دارد و صدمه به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و اماکن دیگر خود یا اشیای اختصاص یافته به اهداف بشردوستانه خود شده باشند.»

تعریف مندرج در سند قواعد دادرسی و ادله دیوان جامع بوده و بزه‌دیدگی مستقیم و غیرمستقیم را به رسمیت شناخته است (Bassiouni, 2008: 665). همچنین، قسمت دوم قاعده مذکور بزه‌دیدگی اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته است که به جرائم جنگی «هدایت عمدی حملات ضد ساختمان‌های اختصاص یافته به اهداف مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه، آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌هایی که بیماران و زخمی‌ها در آن جمع شده‌اند، به شرط نظامی نبودن اهداف» در ضمن مخاصمات داخلی و بین‌المللی اشاره دارد. یکی از دلایل اصلی گنجانیدن

اشخاص حقوقی به‌عنوان بزه‌دیدگان جرائم، حملات متعددی بود که علیه بناها و آثار تاریخی و فرهنگی صورت می‌گرفت.^۱

بنابر نظر قضات پرونده، نیازی به ایراد ضرر مستقیم^۲ به بزه‌دیده نمی‌باشد؛ لیکن وجود ضرر شخصی^۳ ضروری است. دیوان، سه گروه را به عنوان بزه‌دیدگان جرم جنگی تخریب میراث فرهنگی به رسمیت شناخت و اذعان داشت همه آن‌ها، صرف نظر از ماهیت و میزان خسارات وارده، حق دریافت غرامت خواهند داشت. گروه نخست بزه‌دیدگان، ساکنان ثابت تیمباکتو هستند. بنابر نظر یونسکو «جوامع محلی، بزه‌دیدگان اصلی این جرائم بودند» (UNESCO, 2016, para: 15). همچنین بنابر نظر کارشناس سازمان ملل، «تخریب مقبره‌های قدیسان باستانی مسلمانان در تیمبوکتو، وسیله‌ای برای نفی هویت، عقاید، تاریخ و منزلت مسلمانان این منطقه است» (Bennoune, 2017: 6). دیوان مردم کشور مالی را دومین گروه بزه‌دیدگان برشمرد. اگر چه که جنایات تحت امر المهدی منجر به ورود آسیب مستقیم به تمام مردم مالی نشد، تعلق این میراث به کشور آن‌ها و علقه‌های ملی و مذهبی مردم به این میراث، آنان را به صورت غیرمستقیم بزه‌دیده ساخت. مردم مالی در این حالت، به‌عنوان یک کل^۴ فرض شده‌اند. گروه سوم بزه‌دیدگان، جامعه بین‌المللی بودند. تمام اماکن تاریخی و فرهنگی موجود در تیمبوکتو به جز یکی از آن‌ها، در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده‌اند و متعلق به تمام ابناء بشر می‌باشند. در این حالت نیز همانند گروه دوم، جامعه جهانی به‌عنوان یک کل در نظر گرفته شده و تخریب و نابودسازی این اماکن، جهانیان را از این میراث بین‌المللی و انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده محروم می‌سازد.

نمونه بارز بزه‌دیدگان گروه دوم و سوم جرم تخریب میراث فرهنگی را می‌توان در نبردهای جاری در منطقه خاورمیانه مشاهده کرد. به عنوان نمونه، تخریب حرمین شرفین امام هادی و امام حسن عسگری در شهر سامرا توسط داعش، نه‌تنها برای مردم شهر سامرا و کشور عراق دردناک بوده بلکه موجبات تألم خاطر مسلمانان و بالاخص شیعیان سرتاسر جهان را فراهم ساخته است. در حقیقت این گروه از افراد در زمره بزه‌دیدگان غیرمستقیم^۵ جنایات جنگی قرار می‌گیرند.^۶ همچنین، تخریب اماکن تاریخی موجود در بابل، نه‌تنها ساکنان این شهر را بزه‌دیده کرد بلکه مردم کشور

۱. کلمه «اشخاص حقوقی» (legal entities) توسط متن عربی ارائه شد که «نهادهای سازمان‌ها» جایگزین آن شد؛ چراکه کشورهای فرانسه و اسپانیا با این کلمه مخالفت کردند و معتقد بودند واژه‌ای در زبان آن‌ها برای انتقال این مفهوم وجود ندارد.

2. Direct harm

3. Personal harm

4. As a whole

5. Indirect victims

۶. لازم به ذکر است که حرمین شرفین در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده‌اند و امکان اقامه دعوی جبران خسارت جرم تخریب میراث فرهنگی از سوی دولت عراق در دیوان کیفری بین‌المللی وجود دارد. البته، به علت عدم الحاق دولت عراق به اساسنامه دیوان می‌توان از طریق سه سازوکار، جنایات‌های داعش را در دیوان تحت تعقیب قرار داد: الف) ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت به دادستان دیوان؛ ب) پذیرش صلاحیت دیوان در مورد «جرم» خاص از سوی کشور غیرعضو عراق؛ ج) وقوع جرم توسط اتباع دولت‌های عضو اساسنامه دیوان در قلمرو کشورهای غیرعضو عراق. برای مطالعه بیشتر در این رابطه رجوع کنید به: (لسانی و یدانی، ۱۳۹۴).

عراق و جامعه جهانی را از بهره‌برداری از این میراث شگفت‌انگیز بشری محروم ساخت. با توجه به مطالب یادشده می‌توان دریافت که یکی از علل جرم‌انگاری تخریب آثار تاریخی و فرهنگی، علاوه بر در معرض خطر قرار دادن جوامع امروزی، محروم ساختن نسل‌های آینده از تجربیات گذشتگان و تبدیل آنان به افرادی بی‌هویت می‌باشد و موجبات تحریف تاریخ یا فراموشی آن را فراهم می‌کند.^۱ با وجود پذیرش این سه گروه به‌عنوان بزه‌دیده، قضات پرونده جبران خسارت وارده بر دو گروه اخیر، یعنی مردم کشور مالی و جامعه جهانی را نپذیرفتند. به نظر آنان، تنها آسیب‌های وارده بر ساکنان شهر تیمباکتو، یعنی افراد یا سازمان‌هایی که در زمان حملات ساکن شهر تیمباکتو بودند یا از حیث دیگری بسیار به شهر نزدیک بودند و با آن ارتباط داشتند، به‌گونه‌ای که بتوان آن‌ها را بزه‌دیده جرائم واقع‌شده در شهر دانست، مشمول جبران خسارت خواهند شد (ICC, 2017, para: 56).

۴. از جبران خسارت مادی تا جبران خسارت نمادین در جرائم علیه میراث فرهنگی

در نظام دیوان کیفری بین‌المللی جبران خسارت منوط به ورود آسیب شخصی به بزه‌دیده، خواه مستقیم یا غیرمستقیم، خواه مادی، جسمانی یا روانی می‌باشد. الزامی بر درخواست بزه‌دیده برای صدور حکم جبران خسارت وجود ندارد و قضات پرونده می‌توانند با رعایت شرایطی رأساً اقدام به صدور حکم کنند. بر اساس قاعده ۹۴ آئین دادرسی و ادله دیوان، بزه‌دیدگان باید درخواست خود مبنی بر غرامت، اعاده وضعیت یا سایر اشکال جبران خسارت را به صورت کتبی به رئیس دیوان تسلیم کنند و علاوه بر شرح واقعه و توصیف اموال موضوع خسارت، جراحت یا ضرر یا صدمه وارده را برشمرند و هویت اشخاصی را که به گمان آن‌ها مسئول بروز خسارت وارده به وی هستند، نیز معین نمایند. همچنین، تا حد امکان مستندات خود از جمله اسامی و نشانی شهود را ذکر کنند. دسته‌بندی‌های مختلفی از انواع جبران خسارت ارائه می‌شود. به‌عنوان نمونه، برخی جبران خسارت را به سه دسته نمادین،^۲ مادی^۳ و فرآیندهای مرتبط^۴ (همچون فرآیند توانبخشی بزه‌دیده یا مشاوره با وی) تقسیم می‌کنند (Jodoin & Segger, 2013: 242). قطعنامه اصول و رهنمودهای اساسی درباره حق دادخواهی و جبران خسارت برای قربانیان موارد نقض فاحش قانون بین‌المللی حقوق بشر و نقص شدید حقوق بین‌المللی بشر دوستانه^۵ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد،

۱. تخریب شهرهای باستانی هترا، آشور و سامرا توسط داعش در عراق، جامعه جهانی را نسبت به از بین رفتن میراث تمدن جهانی با نگرانی مواجه کرد. نتیجه آنکه در جریان سی و نهمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو در شهر بن آلمان، ویرانه‌های این شهرها در فهرست میراث جهانی در معرض خطر یونسکو ثبت شدند.

2. Symbolic

3. Monetary

4. Process related

5. Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law

پنج نوع حق جبران خسارت اعاده مال^۱، غرامت آسیب‌ها،^۲ اعاده حیثیت،^۳ جلب رضایت^۴ و تضمین عدم تکرار^۵ را به رسمیت شناخته است.

قضات دیوان در دو پرونده اخیر جبران خسارت، سه نوع جبران خسارت فردی،^۶ جمعی^۷ و نمادین را به رسمیت شناختند.^۸ آنان با در نظر گرفتن مسئولیت کیفری مضیق برای المهدی، برخی از موارد نقض حقوق بشر در شهر تیمبوکتو و کشور مالی را مبنایی برای جبران خسارات وارد نشناختند (ICC, 2017, para: 108). جرم المهدی، صدور دستور حمله به اماکن تحت حمایت بود. از همین‌رو، درخواست‌های مسئول‌شناختن وی به دلیل ایراد صدمات جسمانی،^۹ غارت اموال شخصی در جریان حملات، حمله به سایر اماکن در جریان حمله به بناهای تحت حمایت و مواردی از این دست را به علت فقدان رابطه مستقیم بین دستور المهدی و جرائم مذکور نپذیرفتند. با وجود به رسمیت‌نشناختن درخواست‌های مزبور، دیوان از صندوق امانی بزه‌دیدگان^{۱۰} درخواست کرد که به آن دسته از افرادی که بزه‌دیده شناخته نشده‌اند ولی از حملات آسیب دیده‌اند، یاری رسانند. این صندوق به منظور پرداخت خسارت به بزه‌دیدگان جرائم تحت صلاحیت دیوان و خانواده‌های آنان بر اساس ماده ۷۹ اساسنامه با تصمیم مجمع دولت‌های عضو ایجاد شد و اداره می‌شود. بر اساس این ماده، دیوان اختیار صدور دستور انتقال وجوه و سایر اموال گردآوری شده از طریق جریمه یا مصادره به صندوق را دارد.

۱-۴. آسیب به بناهای تحت حمایت

ده بنای تاریخی و مذهبی، مورد حملات نیروهای تحت فرماندهی المهدی قرار گرفتند که نه مورد از آن‌ها میراث فرهنگی ثبت شده یونسکو هستند. برای درک اهمیت این ابنیه لازم به ذکر است که در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی، تیمبوکتو پایتخت فکری و معنوی آفریقا بوده و نقش چشمگیری در گسترش دین اسلام در این قاره داشته است. تیمبوکتو میزبان بسیاری از عالمان، عرفا و صوفیان بزرگ عصر خود بوده است و مدفن بسیاری از آن‌ها نیز در آنجا قرار دارد، تا جایی که به «شهر ۳۳۳ قدیس»^{۱۱} مشهور گشته است. سازمان یونسکو در سال ۱۹۸۸ برخی از آرامگاه‌ها و مساجد تاریخی این شهر را به علت قدمت و وجود معماری‌های سنتی اسلامی در فهرست میراث فرهنگی جهانی

1. Restitution
2. Damages Compensation
3. Rehabilitation
4. Satisfaction
5. Guarantees of non-repetition
6. Individual reparation
7. Collective Reparations

۸. لازم به ذکر است که «همه اقسام جبران خسارت غیرمادی و همچنین جبران خسارت نمادین اختیاری هستند و محکوم‌علیه صرفاً موظف به پذیرش جبران خسارت مادی می‌باشد» (Mulgrew, 2013: 257).

9. Bodily harm
10. The Trust Fund for Victims (TFV)
11. City of 333 Saints

ثبت کرد. مساجد و مقبره‌های مذکور برای ساکنین این شهر و مردمان کشور مالی از اهمیت معنوی و مادی برخوردار بوده و موجب رونق این شهر و مقصدی برای گردشگری مذهبی و تاریخی شده بودند.^۱

سازمان یونسکو، به‌عنوان نهادی مستقل درخواستی برای جبران خسارت ارائه نداد و حتی تأکید کرد که با استفاده از تجارب کارشناسان خود در فرآیند بازسازی اماکن تخریب‌شده مشارکت خواهد کرد و در کنار جامعه محلی تیمبوکتو خواهد بود (UNESCO, 2016: para15). البته، دیوان تصریح کرد که اقدامات یونسکو برای بازسازی میراث فرهنگی تأثیری در مسئولیت المهدی برای جبران خسارت وارد بر این اماکن ندارد و فارغ از نقش مثبت این سازمان در اعاده وضع به حالت سابق، حکم به جبران خسارت داده است (ICC, 2017: 65). همچنین، با توجه به اینکه اماکن و بقاع موجود در تیمبوکتو، متعلق به تمام ساکنان شهر بوده و آن‌ها را به‌عنوان یک کل بزه‌دیده ساخته است، دیوان جبران خسارت جمعی را نیز روشی مناسب برای التیام خاطر قربانیان این جرم برشمرد.

سومین جلوه جبران خسارت برای تخریب اماکن مورد حمایت، عذرخواهی المهدی از بزه‌دیدگان به‌عنوان جبران خسارت نمادین می‌باشد. این نوع از جبران خسارت با هدف تسکین خاطر بزه‌دیدگان انجام می‌شود و «این پیام را به جامعه منتقل می‌کند که افراد، اعضای با ارزش جامعه هستند و به بازگرداندن شأن آن‌ها و بهبود فرآیند آشتی ملی کمک می‌نمایند» (Goetz & Mariana, 2009: 87). همانگونه که پیشتر گفته شد، به موجب اساسنامه دیوان، پذیرش جبران خسارت نمادین از سوی محکوم‌علیه الزامی نمی‌باشد و این امر از نقاط ضعف اساسنامه رم است.^۲ علی‌رغم اختیاری بودن پذیرش جبران خسارت نمادین، المهدی این نوع از جبران خسارت را نیز پذیرفت و از بزه‌دیدگان پوزش خواست. از سوی دیگر، دیوان پذیرش جبران خسارت را به اختیار بزه‌دیدگان گذاشت و معتقد بود چه بسا جبران خسارت موجبات رضایت خاطر گروهی از بزه‌دیدگان را فراهم کند در حالیکه گروهی دیگر همچنان ناراضی باشند. قضات دیوان دبیرخانه را مسئول تهیه نوار ویدیویی پوزش المهدی از بزه‌دیدگان کردند. بر اساس دستور دیوان، فیلم عذرخواهی المهدی و متن آن باید به تمام زبان‌های رایج در تیمبوکتو موجود باشد و در سایت دیوان قرار داده شود. همچنین، چنانچه هر یک از بزه‌دیدگان نسخه‌ای از این فیلم را بخواهند، دیوان موظف به تقدیم فیلم همراه با متن آن می‌باشد^۳ (ICC, 2017, para: 71).

۱. در جریان تحقیقات، گزارشاتی مبنی بر تخریب قبور نزدیک به بقاع مورد حمله نیز به دیوان ارسال شده بود؛ لیکن به علت فقدان دلایل یقین‌آور مبنی بر وجود رابطه سببیت نزدیک و بی‌واسطه بین تخریب این اماکن با حملات تحت فرماندهی المهدی، دیوان وی را مسئول جبران خسارات حاصل از این حملات ندانست (ibid, para: 66).

۲. شعبه نخستین حکم به جبران خسارت نمادین را در تاریخ ۲۱ اکتبر ۲۰۱۶ در پرونده توماس لوبانگو صادر کرد.

۳. برای مشاهده فیلم عذرخواهی المهدی به نشانی ذیل مراجعه بفرمایید:

۲-۴. خسارات اقتصادی

بنا به گزارشات دوم و سوم کارشناسان ویژه سازمان ملل متحد در حوزه حقوق فرهنگی، حملات تحت نظر المهدی منجر به ورود خسارات اقتصادی فراوانی به ساکنان تیمبوکتو شده است (Lostal, (Bennoune, 2017: 123-124) paras80-84). 2017. نگرهبانان بقاع و اماکن و آن دسته از ساکنان تیمبوکتو همچون توره‌های گردشگری و فعالان اقتصادی که امرار معاششان متکی به وجود این بقاع بود، در زمره بزه‌دیدگان اقتصادی جرائم المهدی قرار گرفتند. دیوان برای آن دسته از بزه‌دیدگانی که گذران زندگیشان منحصر به وجود اماکن مزبور بود، جبران خسارت فردی مقرر کرد. در این نوع از جبران خسارت، غرامت ناشی از صدمات وارده بر بزه‌دیده مستقیماً به ایشان پرداخت می‌شود. دیوان غرامت مالی مستقیم را برای این گروه از بزه‌دیدگان در نظر گرفت و برای مابقی بزه‌دیدگان، حکم به جبران خسارت جمعی داد. به نظر دیوان «هدف از برنامه‌های جبران خسارت جمعی، بازسازی جامعه تیمبوکتو هست که شامل اقداماتی همچون برنامه‌های ارتقاء آگاهی و دانش جامعه برای ترویج میراث فرهنگی تیمبوکتو می‌شود» (ICC, 2017, para: 83). همچنین دیوان برای دولت مالی و یونسکو به‌عنوان بزه‌دیدگان این جرائم، حکم به مبلغ یک یورو جبران خسارت نمادین داد.

۴-۳. آسیب‌های روحی

علاوه بر آسیب‌های مادی وارده، دیوان آسیب‌های غیرمادی همچون دردهای روحی، غصه‌های ناشی از دست‌دادن خاطرات کودکی، سلب فرصت برقراری رابطه با اعضای جامعه و اختلال در زندگی فرهنگی را از نتایج دستور حمله المهدی به اماکن تحت حمایت برشمرد. میزان و شدت آسیب‌های روحی وارده یکسان نبودند و برخی از بزه‌دیدگان متحمل صدمات بیشتری شدند. دیوان با نظر نماینده قانونی بزه‌دیدگان موافق بود که «آن دسته از بزه‌دیدگانی که مقبره‌های اجدادشان تخریب شده است، بیشتر از سایر بزه‌دیدگان متحمل درد و رنج روحی شده‌اند و بنابراین، نحوه جبران خسارت آنان باید متفاوت از سایر بزه‌دیدگان باشد» (LRV, 2017: Para 77). از همین رو، برای این دسته از بزه‌دیدگان جبران خسارت فردی در نظر گرفته شد، در حالیکه برای مابقی بزه‌دیدگان جامعه تیمبوکتو، به عنوان یک کل، جبران خسارت جمعی مناسب دانسته شد. به نظر دیوان، خسارات فردی از طریق غرامت باید جبران شوند، در حالیکه جبران خسارت جمعی از طریق اقدامات ترمیمی، درصدد بهبود آلام ایجاد شده می‌باشد و می‌تواند تدابیر نمادینی همچون مراسم‌های یادبود، طلب مغفرت و بزرگداشت را شامل شود.

همانگونه که در ابتدای این قسمت هم اشاره شد، قضات دیوان در ذیل هر خسارت به نحوه جبران آن اشاره کردند؛ اما در نهایت یک حکم واحد جبران خسارت تعیین کردند. در مجموع، دیوان مبلغ ۲,۷ میلیون یورو را به عنوان جبران خسارت مادی کل آسیب‌های وارده تعیین کرد (ICC, 2017: Para 134). مبلغ یک یورو برای جبران خسارت نمادین به سازمان یونسکو به‌عنوان نماینده جامعه جهانی اختصاص داده شد (Ibid, Para 106). المهدی به علت خسارات اقتصادی ناشی از صدور دستور حملات به پرداخت ۲,۱۲ میلیون یورو (Ibid, para128)، ۴۸۳۰۰۰ یورو برای جبران

آسیب‌های روحی (Ibid, para133) و ۹۷۰۰۰ یورو برای جبران خسارات آسیب‌های وارد بر اماکن تحت حمایت یونسکو (Ibid, Para 118) محکوم شد. این واقعیت که محکوم توانایی پرداخت مبالغ مذکور را ندارد در صدور حکم دیوان تأثیری نگذاشته و قضات وی را موظف به پرداخت آن کردند. ناتوانی المهدی برای پرداخت خسارت‌های مذکور، در مقام عمل بار جبران خسارت را بر دوش صندوق جبران خسارت بزه‌دیدگان نهاد و صندوق موظف به تکمیل جبران خسارت گردید. صندوق جبران خسارت بزه‌دیدگان به‌عنوان نهادی اجرایی در گام نخست، موظف به ارائه‌ی طرحی پیشنهادی برای اجرای حکم جبران خسارت شد. طرح مذکور باید مشتمل بر فاکتورهایی نظیر اهداف، نتایج و اقدامات ضروری برای پاسخگویی به همه‌ی انواع خسارت مذکور در حکم جبران خسارت باشد و قابلیت اجرا داشته باشد. پس از تصویب طرح پیشنهادی توسط قضات پرونده، صندوق بازوان اجرایی جبران خسارت را مشخص خواهد کرد و در نهایت دیوان پروژه‌های جبران خسارت نهایی را انتخاب خواهد کرد. شعبه‌ی دیوان وظیفه‌ای برای راهبری جبران خسارت توسط صندوق جبران خسارت بزه‌دیدگان ندارد؛ لیکن نکاتی را برای اجرای دستورانش به صندوق ابلاغ کرد که از جمله آنان تلاش صندوق برای جبران خسارت حداکثری، اعم از خسارات جمعی و شخصی بزه‌دیدگان و همچنین تلاش برای افزایش بودجه‌اش برای تکمیل تمام پرونده‌های جبران خسارت می‌باشد (Ibid, Para 138). همچنین بنابر نظر دیوان، به علت ماهیت خاص آسیب‌های وارد بر بزه‌دیدگان شخصی تا حد امکان در مرحله‌ی اجرایی، جبران خسارت فردی بر جبران خسارت جمعی اولویت داشته و البته این اولویت نباید مانع از جبران خسارت جمعی شود (Ibid, para 141).

آخرین و مهم‌ترین نکته آن است که جبران خسارت منوط به ثبت هویت بزه‌دیدگان در صندوق جبران خسارت بوده و بزه‌دیدگان باید بین امنیت ناشی از ناشناختگی یا جبران خسارت یکی را انتخاب کنند. بنابر نظر قضات پرونده، افشای هویت بزه‌دیدگان در فرآیند تصویربرداری ضروری نیست. از سویی دیگر، صندوق برای جبران خسارت بزه‌دیدگان نیاز به شناسایی هویت آنان دارد؛ لیکن بدون رضایت بزه‌دیده هویت وی افشاء نخواهد شد (Ibid, para 146). بنابراین اگرچه جبران خسارت منوط به شناسایی هویت بزه‌دیده می‌باشد، اطلاعات هویتی وی به‌صورت محرمانه نگهداری می‌شود و احتمال دستیابی به آن‌ها (از سوی دولت، القاعده یا هر نهاد دیگری) وجود نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

حقوق بشردوستانه بین‌المللی در گذر زمان در حال تکامل بوده و دامنه‌ی صیانت از مجموعه‌های تحت حمایت آن گسترش یافته است. تخریب میراث فرهنگی، نیز از زمان تصویب قانون لایبر جرم‌انگاری شده و به مرور در اسناد بین‌المللی مربوط به مخاصمات مسلحانه نیز راه یافته است. با وجود تأکید فراوان سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی بر صیانت از اهداف تحت حمایت، به‌ویژه میراث فرهنگی، جبران خسارات آسیب‌های وارده به این اماکن و بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها از زمان شروع به‌کار نخستین دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه جنایات

جنگی، مورد توجه قرار نگرفته است. تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، افکار عمومی جامعه جهانی را نسبت به جبران خسارت آسیب‌های وارده به میراث فرهنگی امیدوار نموده بود؛ چراکه آثار باستانی فراوانی که در زمره میراث مشترک جهانی بودند نیز در طی این جنگ آسیب دیدند؛ لیکن با وجود به رسمیت شناختن جرم تخریب این آثار، هیچ حکم جبران خسارتی برای محکومان این جرائم صادر نگردیده و عدالت کیفری بین‌المللی بار دیگر نتوانست به همه اهداف خود جامعه عمل ببوشاند. دادگاه رواندا و سایر محاکم مختلط بعدی نیز صرفاً به جرائم متهمان رسیدگی می‌کردند و جبران خسارات مذکور را به نهادهای دیگر واگذار کرده بودند.

اسناد دیوان کیفری بین‌المللی، مانند بسیاری دیگر از زمینه‌ها، در این مورد نیز پیشرو بوده و بزه‌دیدگان جرائم و جبران خسارات وارده بر آن‌ها را در کانون توجه خود قرار داده است. برای نخستین بار در تاریخ رسیدگی‌های بین‌المللی، قضات دیوان در پرونده لوبانگا، حکم به جبران خسارت صادر کردند و چه بسا از این حیث زمینه‌ساز تغییر و اصلاح اساسنامه محاکم کیفری جاری شوند و برای محاکم موردی آینده نیز الهام‌بخش باشند. اما تا پیش از پرونده احمد الفقی المهدی، هیچ‌گونه حکم جبران خسارتی برای محکومین به تخریب میراث فرهنگی صادر نشده بود. قضات دیوان، در این پرونده با مسئول شناختن المهدی در برابر جبران خسارات وارده، رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی را وارد مرحله جدیدی کرده و این پیام را به فرماندهان و مسئولین جنگ‌ها منتقل کردند که این محکمه با تسامح از کنار این موضوع نخواهد گذشت.

قضات دیوان، المهدی را مسئول جبران خسارات وارده بر اماکن تحت حمایت دانستند و وی را موظف به اعاده وضع به حالت سابق کردند. همچنین، خسارات اقتصادی و روحی وارده بر بزه‌دیدگان نیز از چشمان نافذ آنان پنهان نمانده است. قضات دیوان بر این عقیده بودند که صرف مسئول شناختن المهدی برای ترمیم و اعاده وضع بناها به حالت سابق کفایت نخواهد کرد؛ بلکه جرائم ارتكابی افراد تحت نظر وی، شمار فراوانی از افراد را متضرر ساخته است. بنابر حکم دیوان، المهدی موظف به جبران خسارت مادی برای بزه‌دیدگان مستقیم جرائم و جبران خسارت غیرمادی و نمادین برای بزه‌دیدگان غیرمستقیم می‌باشد. وی به پرداخت ۲۷۰۰۰۰۰ یورو جبران خسارت مادی و یک یورو جبران خسارت نمادین به خاطر ضررهای وارده به جامعه جهانی محکوم شد که این مبلغ به سازمان یونسکو به عنوان نماینده جامعه جهانی پرداخت خواهد شد. همچنین دیوان، صندوق جبران خسارت بزه‌دیدگان را موظف به رصد جبران خسارات مادی المهدی و پرداخت مابقی مبالغی که وی از پرداخت آن ناتوان می‌باشد، کرده است. امید است که احکامی از این دست، موجب ارباب بزهکاران بالقوه گردیده و آن‌ها را از ارتکاب جرائم مشابه باز دارد.

منابع

الف) فارسی

۱. اسدی، لیلانسادات (۱۳۸۸). جبران خسارت ناشی از جرم در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۸، ۶۵-۹۲.

۲. فروغی، فضل‌الله؛ غنی، کیوان (۱۳۹۴). جنایات جنگی علیه میراث فرهنگی در مخاصمه مسلحانه سوریه، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، دوره ۲ (۵۰۴)، ۳۳۳-۳۵۵.
۳. فلک، دیتز (۱۳۹۱). حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، سید قاسم زمانی و نادر ساعد، تهران: شهردانش.
۴. لازرژ، کریستین (۱۳۸۲). درآمدی بر سیاست جنایی، علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
۵. لسانی، سید حسام‌الدین؛ یدانی امناب، محسن (۱۳۹۴). امکان رسیدگی به جنایات داعش در دیوان کیفری بین‌المللی از دیدگاه حقوق بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۲۹، شماره ۴، ۷۹-۵۱.
۶. محمد نسل، غلامرضا (۱۳۹۱). مجموعه مقررات دیوان کیفری بین‌المللی، تهران: دادگستر.
۷. مسعودی کوشک، حمید (۱۳۹۶). حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در مخاصمات مسلحانه، تهران: گنج دانش.
۸. والین، لوک، قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان، توکل حبیب زاده، مجتبی جعفری، مجله حقوقی نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری. شماره سی و چهارم، ۳۳-۵۶.

ب) انگلیسی

A. Books & Articles

9. Boas, Gideon & Schabas, William A. (2003). **International Criminal Law: Developments in the Case Law of the ICTY (International Humanitarian Law)**, Brill Publishing.
10. Bassiouni, Cherif (2008). **International Criminal Law: International Enforcement**, Vol. 3 (Third Edition Edition), Brill – Nijhoff.
11. Cassese, A. (2003). **International Criminal Law**, Oxford University Press.
12. Conor, McCarthy (2009). *Reparations under the Rome Statute of the International Criminal Court and Reparative Justice Theory*, in The International Journal of Transitional Justice, Vol. 3, 250–271.
13. Evans, Christine (2012). **The Right to Reparation in International Law for Victims of Armed Conflict**, (Cambridge Studies in International and Comparative Law, Book 91), Cambridge University Press.
14. Friman, Hakan & Robinson, Darry & Wilmschurst, Elizabeth. **An Introduction to International Criminal Law and Procedure**, Cambridge University Press.
15. Ferstman, Carla & Goetz, Mariana (2009). **Reparations for Victims of Genocide, War Crimes and Crimes against Humanity**, Brill Publishing.
16. Jodoin, Sébastien & Cordonier Segger, Marie-Claire (2013). **Sustainable Development, International Criminal Justice, and Treaty Implementation (Treaty Implementation for Sustainable Development)**, Cambridge University.
17. Liu, Zuozhen (2016). **The Case for Repatriating China's Cultural Objects**, Springer.
18. Mulgrew, Róisín (2013). **Towards the Development of the International Penal System**, Cambridge University Press.
19. Ogora, L.O (2017). **Calls for Reparations and a Speedy Trial Prevails as ICC President Visits Northern Uganda**, International Justice Monitor, available online at <https://www.ijmonitor.org/2017/03/calls-for-reparations-and-a-speedy-trial-prevail-as-icc-president-visitsnorthern-Uganda>.

B. Documents

20. Assembly of States Parties (ASP), International Criminal Court, **Report of the Court on the strategy in relation to victims**, ICC-ASP/8/45. 18-26 November 2009.
21. UN Educational, Scientific and Cultural Organisation (UNESCO), **UNESCO Amicus Curiae Observations. The Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi**, Situation in the Republic of Mali, ICC-01/12-01/15-194. 02 December 2016.
22. UN Educational, Scientific and Cultural Organisation (UNESCO), **Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict**, 14 May 1954.
23. UN General Assembly, **Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and**

Serious Violations of International Humanitarian Law: resolution / adopted by the General Assembly, 21 March 2006, A/RES/60/147.

24. United Nations, *Agreement for the prosecution and punishment of the major war criminals of the European Axis ("London Agreement")*, 8 August 1945, 82 U.N.T.C. 280.
25. Bennoune, Karima, Expert appointed by the International Criminal Court in The Case of the Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, *Second Expert Report*, ICC-01/12-01/15-214-AnxII-Red2, Reparation phase, 27 April 2017.
26. Lostal, Marina. *Expert Report – Reparations Phase*. The Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, ICC-01/12-01/15. 28 April 2017 (amended on 3 May 2017).
27. The Legal Representative of Victims (LRV), *Public redacted version of "Submissions of the Legal Representative of Victims on the principles and forms of the right to reparation"*, dated 2 December 2016 (ICC-01/12-01/15-190-Conf).
28. JL/P.I.S./542-e, 2000, Available at: <http://www.icty.org/en/press/address-security-council-carla-del-ponte-prosecutor-international-criminal-tribunals-former>.

C. Cases

29. International Criminal Court (ICC) (2015). *The Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo*, judgment on the appeals against the "Decision establishing the principles and procedures to be applied to reparations" of 7 August 2012 with AMENDED order for reparations (Annex A) and public annexes 1 and 2, ICC-01/04-01/06-3129.
30. International Criminal Court (ICC) (2016). *IN The Case of the Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi (Judgment and Sentence)*, Situation in the republic of Mali, Public, Trial Chamber VIII, No.: ICC-01/12-01/15
31. International Criminal Court (ICC) (2017), *IN The Case of the Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi (Reparations Order)*. Situation in the republic of Mali, Public, Trial Chamber VIII, No.: ICC-01/12-01/15.
32. International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991 (ICTY), (2001). *PROSECUTOR v. DARIO KORDIJ & MARIO ^ERKEZ*, JUDGEMENT, Case No. IT-95-14/2-T.
33. Permanent Court of International Justice (PCIJ), Factory at Chorzów, (1928). *Germany v Poland*, Judgment, Claim for Indemnity, Merits, Judgment No 13.

D. Websites

34. <https://www.mehrnews.com/news/1705115/>
35. <http://www.irna.ir/fa/News/82247541>
36. <https://theantiquitiescoalition.org/blog-posts/more-than-collateral-damage-the-systematic-destruction-of-cultural-heritage-in-yemens-civil-war>
37. <https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=otp-stat-al-mahdi-160822>